

بررسی کارکرد فضاهای عمومی و ارزیابی پیامدهای اجتماعی آن

مورد پژوهی: پاتوق‌های محلی منطقه ۱۱ شهر تهران

زینب کرکه آبادی^۱، نورگس طوسی نژاد^۲

چکیده

امروزه فضاهای عمومی می‌تواند شکل دهنده تعاملات و مناسبات اجتماعی به صورت پاتوق محلی باشند و اثرات و پیامدهای اجتماعی مطلوبی را در محلات شهری فراهم کند. از لحاظ میزان بهره مندی از فضاهای شهری و حضور در فضا نقش آفرینی کند. مزایای انجام ارزیابی تاثیرات اجتماعی، دامنه نسبتاً وسیعی را در بر می‌گیرد که از شناسایی پیامدهای منفی می‌تواند شروع شود و تا کمک به مدیران برای تصمیم‌گیری بهتر ادامه یابد. در پژوهش پیش رو با هدف بررسی کارکرد فضاهای عمومی و ارزیابی پیامدهای اجتماعی در مورد پژوهی مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش تحقیق در مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد و نوع هدف کاربردی است که با بهره‌گیری از مطالعات داخلی و خارجی و منابع معتبر کتابخانه‌ای و اسنادی و مطالعات میدانی و جمع‌آوری پرسشنامه که جامعه آماری کلیه ساکنان منطقه ۱۱ تهران و نمونه آماری حاضران و ساکنان پاتوق‌های محلات منطقه ۱۱ است که ۴۰ نفر به صورت تصادفی مورد پرسش قرار گرفته است. آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه ۰/۸، محاسبه شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: آنچه در شهرهای امروز، بیش از هر چیز موجب حیات شهری و زندگی سالم می‌شود، توجه به کارکرد فضاهای عمومی در سطح محلات شهری است. از بین فرضیه‌های مطرح شده کارکرد فضاهای عمومی بر میزان استفاده از فضا، شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع اجتماع محور، شمولیت اجتماعی در استفاده از پاتوق و گذران اوقات فراغت در فضا مقدار سطح کمتر از سطح معناداری $\alpha=0/05$ بدست آمده است و با اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. مقادیر آماره آزمون t مثبت گزارش شده است.

واژگان کلیدی: پاتوق، منطقه ۱۱ تهران، فضاهای عمومی، پیامدهای اجتماعی

^۱ عضو هیات علمی گروه جغرافیا، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران z.karkehabadi@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری جغرافیا برنامه ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

امروزه از ارزیابی اجتماعی و فرهنگی به منظور بررسی تاثیرات احتمالی منفی و یا مثبت اقدامات توسعه‌ای بر زندگی اجتماعات هدف استفاده می‌کنند. در ادبیات ارزیابی اجتماعی، تعاریف مختلفی از این اصطلاح وجود دارد که بسته به کاربردهای که از آن می‌شود، با همدیگر متفاوتند. از طرفی نیز این نبود تفاهم در مورد تعریف دقیق ارزیابی تاثیرات اجتماعی تا حدود زیادی به عدم همگرایی^۱ تحقیقات در این حوزه برمی‌گردد. فرانک ونکلی در تعریفی همه‌گیر، آنرا شامل «فرآیندهای تحلیل، نظارت و مدیریت پیامدهای اجتماعی خواسته و ناخواسته می‌داند؛ که هر کدام از این پیامدها ممکن است مثبت یا منفی باشند. پیامدهای مذکور، حاصل مداخلات برنامه‌ریزی شده (سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها) و هر گونه فرآیند تغییر اجتماعی هستند که متعاقب این مداخلات پدید می‌آیند». از نظر ونکلی، هدف اولیه ارزیابی تاثیرات اجتماعی، «ایجاد یک محیط زیست- فیزیکی و انسانی پایدارتر و عادلانه‌تر است» (ونکلی، ۲۰۰۳: ۵).

مزایای انجام ارزیابی تاثیرات اجتماعی، دامنه نسبتاً وسیعی را در بر می‌گیرد که از شناسایی پیامدهای منفی می‌تواند شروع شود و تا کمک به مدیران برای تصمیم‌گیری بهتر ادامه یابد. این امر تا حدود زیادی به گسترده بودن فاکتورهای اجتماعی و فرهنگی برمی‌گردد که به انحاء گوناگون می‌توانند دستاوردهای اقدامات توسعه‌ای را تحت تأثیر قرار داده و حتی در مواردی آنها را با شکست کامل رو برو سازند.

هر چند که یک ارزیابی تاثیرات اجتماعی نمی‌تواند تمام این فاکتورها را مورد بررسی قرار دهد؛ اما توانایی آن را دارد که داده‌های مفیدی را در اختیار طراحان پروژه‌ها و مدیران شهری قرار دهد و نشان دهد که فاکتورهای گوناگون اجتماعی و فرهنگی چگونه می‌توانند سد راه پروژه شوند و یا در برخی از موارد در مقام تسهیل‌کننده عمل نمایند. بکر و ونکلی پس از یادآوری این نکته که اگر شرکت‌ها و دولت‌ها قبول کنند که اجرای ارزیابی و برآورد تاثیرات اجتماعی می‌تواند برای آنها مفید باشد، اجرای آن ساده‌تر خواهد بود؛ مزایای بالقوه اجرای آن را برای سازمان‌ها، این چنین برمی‌شمارند:

- ✓ تصمیم‌گیری بهتر برای انتخاب محل اجرای پروژه، مدیریت آن محل و مدیریت بهتر اختلاف‌ها با نیروی کار؛
- ✓ [دستیابی به] شناخت بیشتر نسبت به پیامدهای زیست محیطی و اجتماعی احتمالی؛
- ✓ مدیریت بهتر [مخاطرات]؛
- ✓ پیدا کردن روش‌های خلاقانه برای کاستن از پیامدهای منفی؛
- ✓ یافتن راه‌های به حداکثر رساندن ارزش پروژه‌ها برای اجتماعات [محلی] و سازمان‌های [مجری پروژه]؛
- ✓ برخورداری از فرآیندی برای افزایش میزان رضایت از بحث‌های مربوط به پرداخت غرامت یا مابه‌ازاء در مواردی که پیامدها اجتناب‌ناپذیرند؛
- ✓ تأمین وجه و اعتبار برای سازمان و حفظ مجوز اجتماعی برای اجرای پروژه‌های بعدی (بکر و ونکلی، ۱۳۸۸).

بر اساس گفته‌های فوق، می‌توان دریافت که اقدامات توسعه‌ای به حکم اینکه در بافت‌های اجتماعی و فرهنگی اجرا می‌شوند دارای پیامدهای ناخواسته و بعضاً منفی هستند و ارزیابی اجتماعی نیز به دنبال این است تا پیامدهای مذکور را شناسایی و تخفیف دهد و از طرفی نیز پیامدهای مثبت را افزایش دهد تا از این طریق پایداری اجتماعی این اقدامات را تضمین نماید. البته در شهرهای مدرن باید از دریچه معنا و گفتگو به فضاهای عمومی پرداخته شود. این فضاها در شکل‌گیری ارزش‌های دسته‌جمعی و معانی ضمنی آنها سهم دارند و ارزش‌های منتسب به این فضاها، توسط عموم شهروندان نسبت داده می‌شوند. شهروندان از طریق ابراز عقایدشان، پافشاری بر مطالبات‌شان و استفاده از این فضاها در راستای اهداف‌شان، فضاهای عمومی معنادار و هدفمندی را خلق می‌کنند و فضاها از این طریق به منابع عمومی هدفمندی تبدیل می‌شوند. این فرآیند از لحاظ معناسازی و استفاده از فضا، یک فرآیند پویاست و همواره در معرض تغییر قرار دارد (گوهن، ۱۹۹۸: ۴۷۹). شهروندان تحت تأثیر این فضاها، به بازاندیشی در محیط شهری اطراف خود می‌پردازند و جهان‌های معنایی گوناگونی را خلق می‌کنند که بعضاً باعث تقویت کارکرد فضاها می‌شوند؛ اما در برخی مواقع مانع از آن شده و کژکاری این فضاها را تقویت می‌کنند. در حالیکه برنامه‌ریزان و طراحان ممکن است بخواهند تجربه زندگی عمومی و تعامل اجتماعی

را از طریق خلق فضاهای عمومی تسهیل کنند و بر غنای آن (تجربه زندگی عمومی و تعامل) بیفزایند، این کارکردهای آرمانی در عمل، به ندرت تحقق پیدا می‌کنند. از این لحاظ، فضاهای عمومی واقعی و رفتار شهروندان حاضر در این فضاها غالباً از فضای عمومی ایده‌آل عدول می‌کنند (کارمونا و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۰۹).

بررسی تحقیقات گذشته داخلی و خارجی نشان می‌دهد که در این حوزه مطالعات داخلی هر کدام به در منطقه یا شهری خاصی از کشور مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

نگرش‌های معاصر به فضای عمومی در ادبیات شهری ریشه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ دارد که محققان به مطالعه فضای عمومی و مواجهه و برهم‌کنش کاربران با آن پرداختند؛ درست در زمانی که تحقیقات جین جیکوبز «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی»^۲ در ۱۹۶۱ و ویلیام وایت «ایمن‌سازی فضای باز برای آمریکای شهری: سهولت حفاظت»^۳ در ۱۹۵۹ منتشر شدند. در دهه ۱۹۷۰ سه مطالعه کلیدی در زمینه فضای عمومی انجام شد؛ «تولید اجتماعی فضا»^۴ ی لوفبر (۱۹۷۴) و «مکان و بی‌مکانی»^۵ رالف (۱۹۷۶) به طبیعت فضا و مکان می‌پرداختند و «سقوط انسان عمومی»^۶ ریچارد سنت (۱۹۷۷) بر طبیعت زندگی عمومی و اجتماع تمرکز داشت. این نوشته‌های کلیدی به تغییر رویکرد در درک و فهم فضای شهری عمومی منجر شدند که در ادامه آن‌ها «زندگی اجتماعی فضاهای کوچک شهری»^۷ وایت (۱۹۸۰)، «قلمروی عمومی»^۸ لین لوفلاند (۱۹۸۸) و متون تاثیرگذار دیگری منتشر شدند. در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ نیز متون متعددی به بررسی وجوه مختلف فضای عمومی پرداختند و رشد سریعی در ادبیات فضای عمومی شهری اتفاق افتاد (Varna 2014, 15-17) هنگامی که به فضاهای عمومی فکر می‌کنیم مضامین مختلفی از قبیل پارک، میدین شهری، خیابان‌ها و یا پاتوق‌های گوناگون به ذهن خطور می‌کند. اگرچه این امر، نقش‌های متعدد بسیاری را در خصوص فضاهای عمومی در ذهن تداعی می‌کند، به تعاریف و برداشت‌های مختلف از فضاهای عمومی موجود نیز اشاره دارد. مفاهیم «عمومی» و «فضا»، مفاهیمی هستند که بر روی بحث و تفسیر بازند (هلند و همکاران، ۲۰۰۵: ۱) بنابراین محققین، فضاهای

عمومی را به شیوه‌های مختلفی فهم کرده‌اند و مهم است که این تفاوت‌ها شناسایی شوند تا بتوان تحلیل کارآمدتری از فرآیند برنامه‌ریزی فضاهای عمومی به دست داد. این یک واقعیت است که بسیاری از شهروندان در استفاده از فضاهای عمومی، شرکت در برنامه‌ریزی و کنترل آنها با محدودیت روبرو هستند (وایت، ۲۰۰۱). فضاهای عمومی توسط منافع قوی، محدود شده و آنهایی که طرد شده‌اند [از قبیل زنان، معلولین، کودکان، کهنسالان، افراد جوانتر، طبقات پایین جامعه، به حاشیه رانده شدگان و...] مرتباً حاشیه‌شدگی را تجربه می‌کنند (کیرین و دی، ۲۰۰۱: ۱۷). بسیاری از گروه‌هایی که رسماً از آنها تحت عنوان استفاده‌کنندگان از فضاهای عمومی نام برده می‌شود به دلیل احساس ترس و اذیت شدن، در عمل چنین استفاده‌ای را نمی‌برند (مسی، ۱۹۹۴)؛ شواهد عدیده‌ای حاکی از این هستند که ترس از جرم و بزه، یکی از دلایل عمده برای بی‌خیالی مردم نسبت به حوزه عمومی شده و نقش مراجع عمومی قدرت در حوزه عمومی کم رنگ شده است (مدنی‌پور، ۱۹۹۹). از طرف دیگر طیف وسیعی از فضاهای عمومی در اشکال گوناگون، عملاً جنسیتی و فضایی مردانه‌اند (مسی، ۱۹۹۴؛ هریس، ۲۰۰۶). بعضاً در این فضاها اصلی‌ترین اشکال نابرابری جنسیتی؛ یعنی خشونت در برابر زنان به وفور به چشم می‌خورد. بسیاری از تحلیل‌ها به این نکته اشاره دارند که زنها از اینکه به تنهایی در فضاهای عمومی حضور داشته باشند، در هراسند (ساوج و وارد، ۱۳۸۷: ۲۵۹).

این امر به طور ضمنی بدان معناست که فراهم نبودن شرایط حضور گروه‌های مختلف در فضاهای عمومی، باعث کاهش بهینه بودن عملکرد آنهاست؛ چرا که شهروندان نمی‌توانند از فرصت‌های مورد نظر طراحان اینگونه فضاها، به خوبی استفاده کرده و بهره‌مند شوند. در عوض در مکان‌هایی که فضاهای «خوب» و «مورد استفاده» وجود دارند و نیز در مکان‌هایی که یک «زندگی عمومی پرشور» جریان دارد ترس زنان از خشونت کاهش می‌یابد (ساوج و وارد، ۱۳۸۷: ۲۵۹-۶۰)، کودکان راحت‌تر می‌توانند از حضور در اینگونه فضاها لذت ببرند، سالخوردگان با آرامش بیشتری، اوقات فراغت‌شان را سپری می‌کنند و به طور کلی شهروندان به گونه بهینه‌تری می‌توانند از این فضاها استفاده کنند و زندگی اجتماعی را تجربه نمایند.

گونه‌شناسی ایوسون در شناسایی انواع مختلف فضاهای عمومی و اشکال گوناگون استفاده از آنها که فضاهای عمومی را تعریف می‌کنند، بسیار مفید است. این گونه‌شناسی همچنین امکان پرداختن به «فضاهای مورد منازعه» را فراهم می‌آورد. تعدادی از نویسندگان معاصر (لودر، ۱۹۹۶؛ وایت و آلدن، ۱۹۹۴؛ کار، ۱۹۹۲؛ آمستر، ۲۰۰۴) به منازعه بر سر فضاهای عمومی در بین گروه‌های مختلف اجتماع را به عنوان وجه مشترکی حیاتی، پرداخته‌اند.

وورپول و گرین‌هال (۱۹۹۶) معتقدند که فضای عمومی شهر مدتهاست که کوران حوادث تنش‌ها، کنترل و طرد اجتماعی است. آن‌ها عنوان می‌کنند که بسیاری از «آگورا» های ایده‌آل یا مکان‌های مناظره آتنی فقط برای شهروندان کامل در دسترس بودند؛ کسانی که کمتر از ۲۰ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دادند. بخش عمده جمعیت در قالب خارجی‌ها، بردگان، زنان و افراد جوان بی‌سواد اجازه نداشتند در آن چیزی شرکت کنند که هنوز برخی‌ها به عنوان سنگ بنای دموکراسی نمایندگی، به آن معتقدند (والبی، ۱۹۹۴؛ وورپول و گرین‌هال، ۱۹۹۶). تنوعات در تعاریف فضای عمومی و همچنین نقش فضاهای عمومی در شهرها، قابل توجه و چشمگیر است. به عقیده کار و همکارانش، فضای عمومی «صحنه‌ای است که تئاتر زندگی جمعی بر روی آنها به نمایش درمی‌آید» (کار و همکاران، ۱۹۹۲: ۳). این صحنه می‌تواند از گوشه یک خیابان و پله‌های «دم در» تا پارک‌ها و میدانی شهر را در برگیرد. توافق عامی در خصوص اینکه چه چیزهایی زندگی جمعی را شکل می‌دهد. وجود ندارد. اما در گزارش حاضر منظور از فضای عمومی و به طور اخص «پاتوق محله»، فضاهای عمومی شکل گرفته در شهر در سطح ۶ محله از منطقه ۱۱ شهرداری تهران است که توسط اداره کل زیباسازی منطقه به منظور ایجاد فرصت‌هایی برای توسعه تعاملات اجتماعی و نیز گذران اوقات فراغت ساکنین محلات احداث شده است. احداث یک پارک یا فضای سبز به عنوان پاتوق محله و یا به صورت کلی در مقام «فضای عمومی» در شهر تهران دارای پیامدها و آثار متفاوت خواسته و ناخواسته، آشکار و پنهان و مثبت و منفی بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی شهروندان منطقه است. از طرف دیگر، موفقیت و یا عدم موفقیت پروژه نیز در گرو ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و محیطی منطقه است که در صورت مثبت بودن این ویژگی‌ها، عملکرد پاتوق‌های محله در حد مطلوب خواهد بود و در صورتی که شرایط اجتماعی و ... مهیا نباشد و احداث این پروژه‌ها در راستای

مجله علمی پژوهشی «معماری و شهرسازی» شماره ۱۳۹، زمستان ۱۳۹۸

نیازها و اولویت‌های ساکنین منطقه تعریف نشود کارکرد پاتوق‌ها کاهش پیدا خواهد کرد. بدین ترتیب در پژوهش پیش رو با هدف بررسی کارکرد فضاهای عمومی و ارزیابی پیامدهای اجتماعی در مورد پژوهی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت راهکارها و پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

فرضیه تحقیق

۱- به نظر می‌رسد بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص‌های میزان استفاده از فضا، مشارکت شهروندان در امور مربوط به محله، شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع اجتماع محور، شمولیت اجتماعی در استفاده از پاتوق، گذران اوقات فراغت در فضا و مکان گردهمایی در پاتوق محلی در پاتوق محلات منطقه ۱۱ تهران رابطه‌ای وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد و نوع هدف کاربردی است که با بهره‌گیری از مطالعات داخلی و خارجی و منابع معتبر کتابخانه‌ای و اسنادی و مطالعات میدانی و جمع‌آوری پرسشنامه که جامعه آماری کلیه ساکنان منطقه ۱۱ تهران و نمونه آماری حاضران و ساکنان پاتوق‌های محلات منطقه ۱۱ است که ۴۰ نفر به صورت تصادفی مورد پرسش قرار گرفته است. آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه ۰/۸ محاسبه شده است. در این ارتباط کارکرد فضاهای عمومی (متغیر وابسته) و شاخص‌هایی هم چون میزان استفاده از فضا، مشارکت شهروندان در امور مربوط به محله، شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع اجتماع محور، شمولیت اجتماعی در استفاده از پاتوق، گذران اوقات فراغت در فضا و مکان گردهمایی در پاتوق محلی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است و در نهایت با روش‌های آماری رگرسیون چند متغیر و همبستگی پیرسون با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

$$r_a = \frac{3}{2} \left(1 - \frac{17}{32}\right) = .8$$

محدوده مورد مطالعه: پاتوق محلات منطقه ۱۱ تهران

به طور کلی تا سال ۱۳۴۲ بخش‌های مهمی از منطقه ۱۱ مناطق مرفه‌نشین و پر رونق تهران محسوب می‌شد اما همزمان به لحاظ موقعیت مرکزی منطقه فعالیت‌های کارگاهی و بازارهای تخصصی در بخش‌های شمالی آن رونق یافت. این منطقه با مساحت ۱۱۰۷۵ کیلومتر مربع دارای ۴ ناحیه و ۱۹ محله است و شبکه معابر آن شامل ۴۵۰۲ کیلومتر معابر شریانی و ۲۲۰۸ کیلومتر پخش‌کننده محلی می‌شود. منطقه ۱۱ شهرداری تهران از شمال به میدان انقلاب و خیابان آزادی، از شرق به خیابان‌های وحدت اسلامی و حافظ، از جنوب به میدان راه آهن و خیابان شوش و از غرب به خیابان‌های شهید نواب صفوی و شهید ابراهیمی (عباسی) و میدان حق شناس محدود می‌شود (مهندسان مشاور پارت، ۱۳۸۵ شهرداری منطقه ۱۱ تهران، ۱۳۹۵).



نقشه ۱: پاتوق‌های محلی منطقه ۱۱ تهران

فصلنامه پژوهش‌های علمی، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۹۸

یافته‌ها و بحث

در این قسمت به تجزیه و تحلیل داده‌های توصیفی پرداخته می‌شود تا جهت تبیین اثبات فرضیه‌های مطرح شده تحقیق و دست‌یابی به هدف کمک نماید:
فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین کارکرد فضاهای عمومی با میزان استفاده از فضا رابطه‌ای وجود دارد.

ANOVA^a

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
1	Regression	.286	1	.286	.172	.682 ^b
	Residual	39.868	24	1.661		
	Total	40.154	25			

¹a. Dependent Variable: x

²b. Predictors: (Constant), x

Coefficients^a

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
1 (Constant)	3.083	.770		4.002	.001
² X	.083	.199	.084	.415	.682

¹a. Dependent Variable: x

با توجه به نتایج جدول، مقدار آماره آزمون $F = .172$ و سطح معناداری آن کمتر از سطح معناداری $\alpha = 0/05$ می‌باشد. در نتیجه فرضیه مبنی بر تأثیر معنادار بین کارکرد فضاهای عمومی بر میزان استفاده از فضا با اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. مقدار سطح معناداری برای کارکرد فضاهای عمومی کمتر از سطح معناداری $\alpha = 0/05$ و مقادیر آماره آزمون t مثبت گزارش شده است، در نتیجه این مولفه‌ها پیش‌بینی‌کننده میزان استفاده از فضا است. به لحاظ وجود رابطه مثبت و معناداری بین آن‌ها می‌توان گفت از دیدگاه صاحب نظران و ساکنان با بین کارکرد فضاهای عمومی بر میزان استفاده از فضا خواهد یافت. ضریب تعیین نشان می‌دهد که به صورت همزمان توانایی پیش‌بینی از تغییرات متغیر وابسته یعنی میزان استفاده از فضا را دارند.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص مشارکت شهروندان در امور مربوط به محله رابطه‌ای وجود دارد.

Correlations

		x3	x4
x3	Pearson Correlation	1	.084
	Sig. (2-tailed)		.682
	N	26	26
x4	Pearson Correlation	.084	1
	Sig. (2-tailed)	.682	
	N	40	40

با توجه به نتایج جدول، سطوح معناداری آزمون برای بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص مشارکت شهروندان در امور مربوط به محله بیشتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ می‌باشد. در نتیجه فرضیه مبنی بر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم گیرنده در ارتباط بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص مشارکت شهروندان در امور مربوط به محله با اطمینان ۹۵٪ تأیید نمی‌شود. به لحاظ اثبات رابطه مستقیم بین آن‌ها می‌توان گفت از دیدگاه صاحب نظران و ساکنین با افزایش میزان هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم گیرنده در ارتباط با بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص مشارکت شهروندان در امور مربوط به محله افزایش چندانی نخواهد داشت.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص شکل گیری فعالیت‌های متنوع اجتماع محور به محله رابطه‌ای وجود دارد.

ANOVA^a

Model	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
1 Regression	26.306	1	26.306	23.963	.000 ^b
Residual	26.347	24	1.098		
Total	52.654	25			

a. Dependent Variable: x5

b. Predictors: (Constant), x6

Coefficients^a

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
1 (Constant)	.683	.494		1.382	.180
x6	.938	.192	.707	4.895	.000

a. Dependent Variable: x5

با توجه به نتایج جدول، مقدار آماره آزمون $F=23.963$ و سطح معناداری آن کمتر از سطح معناداری $\alpha=0/05$ می‌باشد. در نتیجه فرضیه مبنی بر تأثیر معنادار بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص شکل گیری فعالیت‌های متنوع اجتماع محور با اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. مقادیر آماره آزمون t مثبت گزارش شده است، در نتیجه این مولفه‌ها پیش‌بینی کننده کارکرد فضاهای عمومی است. به لحاظ وجود رابطه مثبت و معناداری بین آن‌ها می‌توان گفت از دیدگاه صاحب نظران و ساکنین با افزایش میزان مولفه‌های کارکرد فضاهای عمومی با شکل گیری فعالیت های متنوع اجتماع محور افزایش خواهد یافت. ضریب تعیین نشان می‌دهد که مولفه‌های کارکرد فضاهای عمومی به صورت همزمان توانایی پیش‌بینی ۵۱٪ از تغییرات متغیر وابسته یعنی شکل گیری فعالیت های متنوع اجتماع محور را دارند.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص شمولیت اجتماعی در استفاده از پاتوق رابطه‌ای وجود دارد.

فصل نهم: هزینه‌ها و برآورد هزینه‌های شهری چشم انداز نگرش، دوره ۱۱ شماره ۱، زمستان ۱۳۹۸

Correlations

		X7	X8
X7	Pearson Correlation	1	.707**
	Sig. (2-tailed)		.000
	N	26	26
X8	Pearson Correlation	.707**	1
	Sig. (2-tailed)	.000	
	N	40	40

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

با توجه به نتایج جدول، سطوح معناداری آزمون برای بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص شمولیت اجتماعی در استفاده از پاتوق کمتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ می باشد. در نتیجه فرضیه مبنی بر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم گیرنده در ارتباط با بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص شمولیت اجتماعی در استفاده از پاتوق با اطمینان ۹۵٪ تأیید می شود. به لحاظ اثبات رابطه مستقیم بین آن‌ها می توان گفت از دیدگاه صاحب نظران و ساکنین با افزایش میزان هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم گیرنده در ارتباط با کارکرد فضاهای عمومی (۰/۳۵) میزان شمولیت اجتماعی در استفاده از پاتوق افزایش خواهد یافت.

فرضیه پنجم: به نظر می رسد بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص گذران اوقات فراغت در فضا رابطه‌ای وجود دارد.

ANOVA^a

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
1	Regression	.016	1	.016	.015	.904 ^b
	Residual	26.330	24	1.097		
	Total	26.346	25			

a. Dependent Variable: x9

b. Predictors: (Constant), x10

فصل نامه پژوهش‌های علمی و کاربردی، شماره ۱۱، دوره ۱۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۸

Coefficients^a

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
1 (Constant)	3.359	.565		5.950	.000
X9	.025	.204	.025	.122	.904

a. Dependent Variable: x10

با توجه به نتایج جدول، مقدار آماره آزمون $F=0.15$ و سطح معناداری آن کمتر از سطح معناداری $\alpha=0.05$ می باشد. در نتیجه فرضیه بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص گذران اوقات فراغت در فضا با اطمینان ۹۵٪ تأیید می شود. مقدار سطح کمتر از سطح معناداری $\alpha=0.05$ و مقادیر آماره آزمون t مثبت گزارش شده است، در نتیجه بین کارکرد فضاهای عمومی با گذران اوقات فراغت در فضا رابطه ای برقرار است .. به لحاظ وجود رابطه مثبت و معناداری بین آن ها می توان گفت از دیدگاه صاحب نظران و ساکنین با افزایش میزان مولفه های کارکرد فضاهای عمومی میزان گذران اوقات فراغت نیز افزایش خواهد یافت. ضریب تعیین نشان می دهد که بین کارکرد فضاهای عمومی با گذران اوقات فراغت با به صورت همزمان توانایی پیش بینی ۵۱٪ از تغییرات متغیر وابسته یعنی گذران اوقات فراغت را دارند. فرضیه ششم: به نظر می رسد بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص مکان گردهمایی در پاتوق های محلی رابطه ای وجود دارد.

Correlations

		X11	X12
X11	Pearson Correlation	1	.025
	Sig. (2-tailed)		.904
	N	26	26
X12	Pearson Correlation	.025	1
	Sig. (2-tailed)	.904	
	N	40	40

با توجه به نتایج جدول، سطوح معناداری بین کارکرد فضاهای عمومی با شاخص مکان گردهمایی در پاتوق‌های محلی بیشتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ می‌باشد. در نتیجه فرضیه مبنی بر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم گیرنده در ارتباط با بین کارکرد فضاهای عمومی با مکان گردهمایی در پاتوق‌های محلی با اطمینان ۹۵٪ تأیید نمی‌شود. به لحاظ اثبات رابطه مستقیم بین آن‌ها می‌توان گفت از دیدگاه صاحب نظران و ساکنان با افزایش میزان هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم گیرنده در ارتباط با از بین رفتن کارکرد فضاهای عمومی (۰/۲۵) گرد همایی در پاتوق های محلی افزایش چندانی نخواهد داشت.

نتیجه گیری

فضاهای عمومی شهری، بستر و مأمنی برای برقراری روابط اجتماعی است، بنابراین توانایی این فضاها در این زمینه، نقطه قوت آنها به شمار می‌رود. چنانچه یک فضای عمومی در این مورد خاص موفق عمل نکند به طور قطع، اشتباهی رخ می‌دهد که باید آن نقطه آسیب و ضعف را برطرف کرد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴).

آنچه در شهرهای امروز، بیش از هر چیز موجب حیات شهری و زندگی سالم می‌شود، توجه به کارکرد فضاهای عمومی در سطح محلات شهری است. لذا وجود قابلیت‌ها و توانایی فضاهای عمومی برای درک و دریافت فضا و نتیجه آن مکث و حضور افراد در فضاهای عمومی شهری زمینه ساز پیامدها و اثرات اجتماعی مثبتی خواهد بود.

از بین فرضیه های مطرح شده کارکرد فضاهای عمومی بر میزان استفاده از فضا، شکل گیری فعالیت‌های متنوع اجتماع محور، شمولیت اجتماعی در استفاده از پاتوق و گذران اوقات فراغت در فضا مقدار سطح کمتر از سطح معناداری $\alpha=0/05$ بدست آمده است و با اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. مقادیر آماره آزمون t مثبت گزارش شده است.

پیشنهادها:

۱. جلب مشارکت شهروندان؛
 ۲. رویکرد مردم‌مدار و اجتماع‌محور در مدیریت شهری؛
 ۳. نوسازی بافت فرسوده با تاکید بر افزایش سرانه فضاهای عمومی و در کل کیفیت زندگی؛
 ۴. کاهش آسیب‌ها اجتماعی در سطح منطقه.
- این راهبردها از آنجا که کلی هستند بنابراین به وضعیت‌های کلی اشاره دارند که خود در بردارنده وضعیت‌های انضمامی جزئی‌تری است. منظور از مشارکت شهروندان، دخالت دادن آنها در مراحل مختلف پروژه‌ها و برنامه‌هاست (از مرحله نیازسنجی تا برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت). ماحصل چنین مشارکتی در حوزه فضاهای عمومی، خلق فضاهایی است که بر اساس دانش ساکنین محلات شکل می‌گیرد و اقتضائات معیشتی و سبک زندگی آنها را بازنمایی می‌کند. بنابراین حس مالکیت نسبت به مکان و تعلق به آن در بین اجتماعات هدف افزایش یافته و این امر منجر به شکل‌گیری حس مکان می‌شود. در نهایت امر مشارکت شهروندان می‌تواند زمینه‌ساز قابلی برای موفقیت پروژه‌های احداث فضاهای عمومی باشد.
- لازمه جلب مشارکت شهروندان، تغییر رویکرد مدیریتی بالا-پایین به رویکردی مردم‌مدار و شهروند محور است که در نتیجه آن بایستی نظامی مدیریتی طراحی شود که در بردارنده مکانیسم‌های حضور شهروندان در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری باشد.
- مهم‌ترین راهبرد پیشنهادی، کاهش میزان آسیب‌های اجتماعی در سطح منطقه است. همانگونه که پیشتر نیز ذکر شد آسیب‌زا بودن فضای کلی اجتماعی محلات می‌تواند زمینه آسیب‌زا بودن فضاهای عمومی را قویاً فراهم نماید و بنابراین جهت جلوگیری از تبدیل فضاهای عمومی به فضاهای بدون دفاع، بایستی وضعیت آسیب‌های اجتماعی سطح منطقه نیز ساماندهی شود.
- در سطوح خردتر نیز لازم است برخی راهکارهای جبرانی در دستور کار قرار گیرند تا کارآیی و عملکرد پاتوق‌ها افزایش یابد:

۱. اختصاص امکانات تفریحی (میز شطرنج، آلاچیق و...) در پاتوق‌های خوشیاران و رباط کریم؛

مجله علمی پژوهشی برنامه‌ریزی شهری، چشم انداز کارگرس، دوره ۱۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸

۲. اختصاص امکانات ورزشی در پاتوق خوشیاران و رباط کریم؛
۳. اختصاص بخشی از فضای پاتوق کسری به دکه روزنامه‌فروشی و یا نمایشگاه محلی؛
۴. نصب دیوار عایق صوتی در قسمت شرقی پاتوق فردوس؛
۵. نصب آلاچیق و احداث سرویس بهداشتی عمومی و آبخوری در پاتوق فردوس؛
۶. تغییر مکان سطل آشغال روبروی پاتوق رباط کریم؛
۷. تغییر مکان ایستگاه اتوبوس جلوی پاتوق قطب به منظور افزایش میزان نظارت عمومی؛
۸. ایجاد مانع جهت جلوگیری از تردد موتورسیکلت در ضلع جنوبی پاتوق شکوفه؛
۹. احداث سرویس بهداشتی عمومی و آبخوری در پاتوق فردوس؛
۱۰. نصب صندلی در کناره دیواره‌های داخلی پاتوق شکوفه تا از حالت فضای بدون دفاع خارج شود؛
۱۱. نصب صندلی و آلاچیق در پاتوق کسری؛
۱۲. نصب چراغ جهت تأمین روشنایی بیشتر در پاتوق کسری؛
۱۳. کوتاه نمودن بوته‌های پاتوق قطب؛
۱۴. تبدیل سلسله فضاهای خالی راسته پاتوق قطب به پاتوق‌ها محله و یا پارک‌های محله‌ای و تبدیل یکی از آنها به خانه شطرنج؛

منابع

- اباذری، یوسف؛ صادقی فسایی، سهیلا و حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۷). احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش زنان، دوره ششم، شماره ۱ صص: ۷۵-۱۰۳.
- بکر، هنک و ونکلی، فرنک. (۱۳۸۸). راهنمای بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی. ترجمه هادی جلیلی. معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- روزنامه هموطن سلام، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۶.
- ساج، مایک و وارد، آلن. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی شهری. مترجم: دکتر ابوالقاسم پوررضا. چاپ ششم. تهران، انتشارات سمت.
- قادی، صلاح‌الدین. (۱۳۹۰). بررسی پیامدها و نتایج برنامه‌های پیشگیری از جرم در فضاهای عمومی شهری با تاکید بر «طرح ارتقاء امنیت اجتماعی». پایان‌نامه دکتري، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- مدنی‌پور، ع. (۱۳۸۹). فضاهای عمومی و خصوصی شهر تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- محمدي، محمود، عظیمی، مریم، مقدم، حامد، رفیعیان، مجتبی، (۱۳۹۱). فضاهای عمومی شهری، تحقق تعاملات اجتماعی در بافت‌های تاریخی، نمونه موردی: شهر قدیم لار، دو فصلنامه علمی پژوهشی نشریه مرمت آثار و بافت‌های تاریخی، فرهنگی، سال دوم، شماره چهارم پاییز
- مهندسان مشاور پارت، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵، طرح تفصیلی منطقه ۱۱ شهر تهران
- Beck, Helen. (2009). Linking the quality of public spaces to quality of life. *Journal of Place Management and Development*. Vol, 2. Issue, 3. Pp.240-248.
- Boer, R.W.J. & Vries, J. de. (2009). *The Right to the City as a tool for urban social movements: The case of Barceloneta*. The 4th International Conference of the International Forum on Urbanism. Amsterdam/Delft.
- Carr, S. [et al.]. (1992). *Public Space*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Carmona, Matthew, [et al.]. (2003). *Public Places Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design*. Burlington MA: Architectural Press.
- Coleman, A. (1999). *Down and Definitely Out: social exclusion and long-term homelessness in fortitude Valley, Brisbane*. Paper presented at the International Social Work Conference, Brisbane.
- Cozens, P. Hillier, D & Prescott. (2002). *Defensible space, Community safety, the British city and the Active Citizen: Penetrating the Criminal Mind*. Crime Prevention and Community safety: An Introduction Journal. V. 4. Pp: 7-21.
- Cooper Marcus, C., and Francis, M. (1998). *People Places: Design guidelines for urban open space*. (Second Ed.). New York: Wiley.
- Crane, P. & Dee. M. (2001). *Young people, public space and new urbanism*. *Youth studies Australia*. 20 (1). 11-18.
- Dee, Mike. (2008). *Young People and Public Space*. Submitted in full requirement for the award of philosophy (PHD). Social work and human services, Faculty of health, Queensland University of Technology, Brisbane, Australia.
- Dobbins, M. (2009). *Urban Design and People*. New York, NY: Wiley.

- Flanagan, William. G. (2010). *Urban Sociology: Images and Structure*. Fifth Edition. Rowman & Littlefield Publishers, Inc.
- Frampton, Kenneth. (1996). *On Reading Heidegger*. In Nesbit Ka (ED). *Theorizing a new agenda for architecture an anthology of architectural theory; 1965-1995*. New York: Princeton architectural Press.
- Goheen, Peter. G. (1998). *Public space and the geography of the modern city*. Progress in Human Geography. 22, 4 (1998) pp. 479- 496.
- Goodsell, Charles T. 2003. "The Concept of Public Space and Its Democratic Manifestations." *The American Review of Public Administration*, 33: 361 – 83.
- Gottdiener. M & Budd. Leslie. (2005). *Key Concepts in Urban Studies*. SAGE Publications.
- Gieryn, Thomas F. (2000). A space for place in sociology. *Annual Review of Sociology*, 26: 463-496.
- Harvey, D. (2006). *The political economy of public space*. In *The Politics of Public Space*. Edited by Setha Low and Neil Smith. New York: Routledge.
- Harvey, D. (2008). *The Right to the City*. *New Left Review*, Vol.53, pp.23-40.
- Holland, Caroline, [et al.]. (2007). *Social interactions in urban public places*. The Policy Press. UK.
- Iveson, K. (1998). *Putting the Public Back into Public Space*. *Urban Policy and Research*. 16 (1). 21-29.
- Low, S. M. (2000). *On the Plaza: The politics of public space and culture*. Austin, TX: University of Texas Press.
- MacDonald, Stuart. (2011). 'Big Society': *Social action and the role of public space*. Centre for Local Economic Strategies. UK. Manchester.
- Madanipour, A. (1999). *Why are the design and development of public spaces significant for cities?* *Environment and Planning B: Planning and Design*. 26 (6), 879-891.
- Mehta, V. (2007). *A Toolkit for Performance Measures of Public Space*. 43rd ISOCARP Congress.
- Mtani, Anna (2002). *The Women's Perspective: the Case of Manzese, Dar es Salaam, Tanzania*. First International Seminar on Women's Safety – Making the Links, Montréal, May 2002.
- Neal, Zachary. (2009). *Locating Public Space*. In *Common Ground? Readings and Reflections on Public Space*, edited by Anthony Orum and Zachary Neal. Routledge.
- Project for Public Spaces. (2005). *How to Turn a Place Around*. New York: Project for Public Spaces, Inc.
- Tonkiss, F. (2005). *Space, the City and Social Theory*. Cambridge and New York. Polity Press.
- Tonnelat, Stéphane. (2010). *the sociology of urban public spaces*. In WANG Hongyang, SAVY Michel and ZHAI Guofang (eds.), *Territorial Evolution and Planning Solution: Experiences from China and France*, Paris, Atlantis Press, 2010.
- Vanclay, Frank. (2001). *Conceptualizing social impacts*. *Environmental Impact Assessment Review*, volume 21, number 1, March 2003, pages 5–11.
- Vanclay, Frank. (2003). *International Principles for Social Impact Assessment*. *Impact Assessment and Project Appraisal*, volume 22, November 2001, pages 183–211.
- Williams, K, and Green. S. (2001). *Literature Review of Public Space and Local Environments for the Cross Cutting Review*. Oxford Centre for Sustainable Development.
- World Bank. (2003). «SOCIAL ANALYSIS SOURCEBOOK: Incorporating Social Dimensions into Bank-Supported Projects».

مجله علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی شهری، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۹۸